

بلانکیسم

(Blanquisme)



سیاست بود: نخست، سیاست بلانکیستی و باقی‌مانده، یعنی سیاست انجمن‌های سوسیالیستی و انقلابی، و در پیگیری سیاست سوسیالیستی و آنارشیستی که از نظریه‌ها و انجمن‌های همگونی، و مانند این سیاست گرفته.

بلانکیسم در جنبش‌های انقلابی دیگر کشورهای، بویژه در نارودنیک‌های روسیه نفوذ کرد. نارودنیک‌های روسیه بر آن بودند که روسیه بی آن که مرحله سرمایه‌داری را بگذراند، می‌تواند مستقیم به سوسیالیسم برسد و اساس آن را می‌توان بر کمون‌های روستایی گذاشت.

• جنبش انقلابی فرانسوی قرن هجدهم که هدف آن ایجاد جمهوری برپایه بود. این جنبش نام خود را زهر خود، فرانسوا اول با یوف گرفته است.

حسرت دیگر اعضای، یعنی دافنه از تصور به تبعید حکومت نیست، اما به پشت سر ایستاد، چنانچه این تبعید به پیغمبر عالی زلفان نظیفین داده شد. روزی ۱۵ ژوئن ۱۸۳۱ از زندان تقویت آزاد شد و روزهای

آخر عمرش در پاریس گذشت. او پس از یک سخنرانی در میتیگی انقلابی در پاریس سکنه کرد و در اول ژانویه ۱۸۸۱ جان سپرد. این سوسیالیست فرانسوی ۳۳ سال از عمر ۷۶ ساله خود را در زندان گذراند. آرای انقلابی او زیر نفوذ بابوفیسم شکل گرفت و در مارکس نفوذ کرد. بلانکی ماده‌باور (مانریالیست) و عقل‌باور (راسیونالیست) بود و به پیشرفت بی‌پایان تاریخ باور داشت و بر آن بود که تاریخ از مرحله فردیت مطلق که روزگار انسان وحشی است، به سوی کمونیسم در حرکت است. او به تضادهای اجتماعی نظام سرمایه‌داری می‌تاخت و برای برانگیزدن آن روش‌های آنارشیستی و توطئه‌گرانه پیشنهاد می‌کرد.

بلانکی به تئوری‌های تاریخی و اجتماعی یا اقتصادی اهمیتی نمی‌داد، اما قلب و ذهن خود را مصروف انقلاب کارگری کرد. باور او بر انجسام انقلاب توسط یک گروه زنده و به شدت سازماندهی شده کارگران بود.

به‌طور کل جنبش کارگری در فرانسه تابع دو

نیلوفر سیاوشی

بلانکیسم به روش سیاسی و اندیشه‌ای گفته می‌شود که برگرفته از روش و نظرات لوئی اگوست بلانکی (Louis Auguste Blanqui) (۱۸۰۵-۱۸۸۱) انقلابی فرانسوی باشد.

وی از چهره‌های برجسته رهبران کارگری فرانسه در قرن نوزدهم به شمار می‌آید. بلانکی سازمان‌دهنده انواع انجمن‌های سری و باشگاه‌های مردمی بود که در بسیاری از توطئه‌های ضدحکومت شرکت داشت. اعتقاد این چهره انقلابی بر این بود که با روش‌های توطئه‌آمیز می‌توان بسوزووازی را سرنگون کرد. بلانکی در انقلاب‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ پاریس شرکت داشت. همچنین شورش ۱۸۳۹ پاریس به رهبری بلانکی و پاریس از آرمان‌های جمهوریخواهی و شبه‌سوسیالیستی دفاع می‌کرد. او در جریان کمون پاریس به ریاست کمون برگزیده شد. در ۱۸۴۰ به جرم شرکت در شورش مسلحانه به مجازات اعدام محکوم شد، اما این مجازات بعدها به حبس ابد تخفیف داده شد.

در ۱۵ می ۱۸۴۸، بلانکی و حزب پروتاریایی در رأس انبوه مردم به مجلس تازه انتخاب‌شده حمله بردند، با این هدف که آن مجلس را براندازند و حکومت موقت تازه‌ای تشکیل دهند. پس از دفع حمله مردم توسط گارد ملی، بلانکی، پاریس، آلبرت و راهسای تویف شدند. او از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۸ در سناهیال‌های نظام پادشاهی و از آن پس، سال‌ها در زندان‌های جمهوری و امپراتوری به سر برد. یک‌بار به خاطر شرکت در حوادث ۳۱ اکتبر ۱۸۷۰ به مرگ محکوم شد. او یکی از گروه‌هایی بود که در ۳۱ اکتبر بخشی از قدرت را در اختیار گرفت. در ۱۸۷۹ به عضویت پارلمان از بورژوازی انتخاب شد، اما دولت انتخاب او را به رسمیت نشناخت. در طول حکومت کمون، بلانکی در قلعه و توره زندانی بود. بلانکی با این که خود در زندان بود، به‌عنوان صدر دولت حاصل از قیام اعدام شد. کوشش‌های کمون برای نجات او به جایی نرسید. با این که او در زمان تشکیل کمون در زندان بود و نقشی عملی نداشت در ۱۸۷۲ به